گزارش

در آستانه انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس

ترکیب هیئت‌رئیسه تغییر خواهد کرد؟

شرق: از آغاز دوره دوازدهم مجلس، چالش‌های فراوانی میان جریان پایداری و محمدباقر قالیباف بر سر کرسی ریاست مجلس شکل گرفته است. این اختلاف که از سال اول به‌ویژه در جریان تعیین هیئت‌رئیسه برجسته شد، اکنون در آستانه انتخابات هیئت‌رئیسه دومین سال اجلاسیه به اوج خود رسیده است. قالیباف، رئیس فعلی مجلس که برای حفظ کرسی ریاست نامزد شده، باید با احمد بیگدلی، نماینده خدابنده و عضو کمیسیون اجتماعی، رقابت کند و همچنین حمیدرضا حاجی‌بابایی، علی نیکزاد، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، عبدالرضا مصری و مجتبی ذوالنوری نیز برای نایب‌رئیسی رقابت خواهند کرد. این رقابت‌ها به صف‌آرایی گسترده و پیچیده‌ای میان چهره‌های مختلف اصولگرا و برخی نمایندگان مستقل منجر شده و فضای انتخابات را به‌شدت ملتهب کرده است. در این بین، در روزهای اخیر ارسال پیامک‌های سازمان‌یافته و هماهنگ علیه قالیباف، تلاش‌هایی برای تخریب شخصیت رئیس فعلی مجلس را نشان می‌دهد که با واکنش تند برخی نمایندگان ازجمله مهرداد لاهوتی، عضو فراکسیون اصولگرایان معتدل، مواجه شده است. لاهوتی این پیامک‌ها را روش نادرستی خواند و تأکید کرد: «اگر کاندیدایی دارند باید به‌جای تخریب از نامزد خود دفاع کنند». او همچنین این نوع حملات را برخلاف اخلاق نمایندگی دانست و افزود تخریب شخصیت دیگران ازجمله قالیباف، کار درستی نیست. فضای انتخابات امسال در مقایسه با سال گذشته کمتر تحت تأثیر رقابت‌های انتخاباتی و بیشتر متأثر از نقدهای مدیریتی و اختلاف‌نظرهای درون‌جناحی است. جریان پایداری و برخی اصولگرایان دیگر، با ارسال پیامک‌های تهدیدآمیز و تبلیغات گسترده تلاش می‌کنند جایگاه قالیباف را سست کنند. اما در مقابل، حمایت‌هایی از سوی نمایندگان معتدل و مستقل شکل گرفته که به حفظ ثبات و آرامش مجلس تأکید دارند. رقابت برای کرسی‌های دیگر هیئت‌رئیسه نیز پررنگ است و نامزدهایی همچون حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری، علیرضا منادی‌سفیدان، محمدمهدی فروردین و احمد نادری برای سمت‌های نایب‌رئیسی، دبیری و ناظرها در صف انتظارند. این تنوع نامزدها بازتابی از رقابت‌های درون‌جناحی اصولگرایان و فشار اقلیت‌هاست که می‌تواند ترکیب نهایی هیئت‌رئیسه را به شکل درخور توجهی تغییر دهد. در مقایسه با دور نخست انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس دوازدهم شاید تعداد رقبای قالیباف کمتر اما شرایط امسال کمی پیچیده‌تر است. در انتخابات هیئت‌رئیسه سال اول مجلس دوازدهم، حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری و منوچهر متکی، رقبای قالیباف برای کسب کرسی ریاست مجلس بودند، اما در نهایت قالیباف با کسب ۱۹۸ رأی در برابر ۶۰ رأی ذوالنوری و پنج رأی متکی، ریاست مجلس در سال نخست مجلس دوازدهم را کسب کرد. اکنون قالیباف با یک رقیب اما رقیبی قوی وارد انتخاب رئیس مجلس می‌شود. در این بین اما برای کسب عنوان نایب‌رئیسی مجلس، رقابت سنگینی بین نمایندگان وجود دارد. در سال اول مجلس دوازدهم، حمیدرضا حاجی‌بابایی با ۱۷۵ رأی و علی نیکزاد با ۱۶۹ رأی به ترتیب نایب‌رئیسان اول و دوم مجلس شدند. همچنین در سال گذشته عبدالرضا مصری (۱۱۵ رأی)، حسینعلی حاجی‌دلیگانی (۹۶ رأی)، حجت‌الاسلام حمید رسایی (۳۵ رأی) و حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی (۱۶ رأی) به‌رغم اینکه برای نایب‌رئیسی نامزد بودند، از رسیدن به این جایگاه بازماندند. در همین زمینه احمد انارکی در گفت‌وگو با ایرنا گفت: در سال گذشته حادثه بالگرد که برای شهید رئیسی و همراهان ایشان رقم خورد، سبب شد تا انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری انجام شود و در ادامه رأی به اعضای کابینه و انتخاب استانداران و فرمانداران سبب شد در عمل، مجلس در شش ماه نخست سال موفق به انجام کار خاصی نشود. نماینده مردم رفسنجان در مجلس شورای اسلامی اجلاسیه دوم را بسیار مهم دانست و افزود: دولت و مجلس پس از پشت سرگذاشتن یک سال پرکار و خاص، در سال ۱۴۰۴ باید موضوع تحقق شعار سال و رسیدگی به مسائل اقتصادی را در دستور کار قرار دهند و برای این موضوع هماهنگی بین قوا ضروری به نظر می‌رسد. انارکی با بیان اینکه باید افرادی در هیئت‌رئیسه مجلس فعالیت کنند که پست و مشغله دیگری نداشته باشند، یادآور شد: اینکه یک نماینده هم عضو هیئت‌رئیسه باشد و هم اینکه چند پست در کمیسیون‌ها، فراکسیون‌های مجلس یا به عنوان ناظر در دستگاه‌های دولتی را بر عهده بگیرد، قابل قبول نیست. نماینده مردم رفسنجان در مجلس با تأکید بر اینکه عضو هیئت‌رئیسه باید فقط بر وظایف و اختیارات هیئت‌رئیسه متمرکز شود، تصریح کرد: نماینده وظایفی هم برای حوزه انتخابیه دارد که جمیع این وظایف و مسئولیت‌ها سبب کثرت مسئولیت او شده و از توجه به امورات مربوط به هیئت‌رئیسه باز می‌ماند. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با تأکید بر اینکه رئیس مجلس باید فراجناحی همراه با اقتدار عمل کند، گفت: اقتدار رئیس مجلس سبب حفظ کرامت و شأن مجلس خواهد شد که البته در مجلس دوازدهم تا امروز این‌گونه بوده است. البته مشکل امروز کشور مسائل اقتصادی و رفع ناترازی‌هاست و باید هیئت‌رئیسه برای بررسی طرح‌ها و لوایح در صحن مجلس به این موضوع توجه ویژه داشته باشد. براساس ماده ۱۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، هیئت‌رئیسه دائم هر سال یک بار و با رأی مستقیم نمایندگان تعیین می‌شود. این ترکیب شامل ۱۲ عضو است: رئیس، دو نایب‌رئیس، شش دبیر و سه ناظر. انتخاب این اعضا طبق آیین‌نامه به شیوه رأی‌گیری مخفی و با ورقه انجام می‌شود؛ روشی که هدف آن حفظ استقلال رأی نمایندگان و جلوگیری از اعمال فشارهای بیرونی است. در انتخاب رئیس مجلس، اکثریت مطلق در مرحله اول الزامی است و در صورت عدم حصول، انتخابات به دور دوم با اکثریت نسبی کشیده می‌شود. اما برای سایر اعضا، از ابتدا کسب اکثریت نسبی کافی است. با توجه به اهمیت قانونی و سیاسی هیئت‌رئیسه در اداره امور مجلس، این انتخابات که روز سه‌شنبه ۶ خرداد برگزار می‌شود، نقطه عطفی در روند تقنینی کشور محسوب می‌شود. هیئت‌رئیسه جدید یک سال مسئولیت هدایت جلسات، تنظیم دستورکارها و تضمین انضباط کاری را برعهده خواهد داشت که کیفیت عملکرد آن تأثیر مستقیم بر روند قانون‌گذاری و تعامل مجلس با دولت خواهد گذاشت. بنابراین، انتخابات پیش‌رو فقط رقابتی میان چهره‌ها نیست، بلکه بازتابی از تحولات عمیق‌تر سیاسی و صف‌بندی‌های نوین درون قوه مقننه است که نتیجه آن می‌تواند به فصل تازه‌ای در مدیریت و سیاست‌گذاری مجلس منجر شود.

البته با توجه به تجربه و سابقه مدیریتی قالیباف در رأس مجلس و همچنین حمایت نسبی اصولگرایان میانه‌رو، پیش‌بینی می‌شود او با وجود چالش‌های جدی و پیامک‌های تخریبی، شانس داشته باشد تا اکثریت لازم برای حفظ ریاست مجلس را کسب کند. اما رقابت جدی نماینده زنجان و فشار جریان پایداری ممکن است باعث شود قالیباف در رأی‌گیری با چالش‌هایی مواجه شود و برخی کرسی‌های نایب‌رئیسی و دبیری به چهره‌های جدید یا منتقدان اختصاص یابد که می‌تواند توازن قدرت در هیئت‌رئیسه را تغییر دهد.

«شرق» معادلات جدید مذاکرات هسته‌ای پس از دور پنجم را در گفت‌وگو با رحمن قهرمانپور واکاوی می‌کند

غنی‌سازی در تنگنا؛ اصرار ترامپ و حقوق تهران

عبدالرحمن فتح‌الهی: پیشنهادی که پس از دور پنجم مذاکرات هسته‌ای از سوی عمان مطرح شده، به‌روشنی از مواضع آمریکا تأثیر گرفته و خواستار توقف سه‌ساله غنی‌سازی اورانیوم ایران در برابر برداشتن بخشی از تحریم‌هاست. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، در نشست خبری دیروز خود، توافق مذکور را تکذیب کرد. این ابتکار، هرچند در ظاهر گامی به سوی مصالحه می‌نماید، اما به باور طیفی از ناظران در باطن بازتاب‌دهنده اصرار مکرر واشنگتن بر تحقق «غنی‌سازی صفر» است؛ سیاستی که با حقوق مشروع ایران، ذیل معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) در تعارض است. حال سؤال بنیادین آن است که چه انگیزه‌هایی دونالد رامپ را به پافشاری بر این موضع سوق داده است؟ در سطح سیاست داخلی، پذیرش هر توافقی که به احیای برجام، دستاورد دولت اوباما، منجر شود، برای ترامپ هزینه‌ای گزاف به همراه دارد. غنی‌سازی ۳.۶۷ درصدی که در چارچوب برجام تعریف شده، به‌منزله تأیید ضمنی این توافق است؛ امری که با راهبرد سیاسی او در تضاد قرار می‌گیرد. در سطحی عمیق‌تر، قانون ۱۲۳ ایالات متحده که همکاری هسته‌ای را به کشورهای همسو با واشنگتن محدود می‌کند، می‌تواند توضیح‌دهنده این رویکرد باشد. ایران، با استقلال سیاسی خود، خارج از این بلوک‌بندی تعریف می‌شود و سلب حق غنی‌سازی از تهران، تلاشی برای حفظ هژمونی هسته‌ای آمریکا به شمار می‌رود. از منظر ژئوپلیتیک، ملاحظات امنیتی اسرائیل نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. فشارهای نتانیاهو، عملا غنی‌سازی صفر را به عنوان تضمینی برای کاهش تهدیدات ادراکی تل‌آویو ترویج می‌کنند. با این حال، این پیشنهاد، با نادیده‌گرفتن حقوق ایران، شانس موفقیت محدودی دارد. آینده مذاکرات به یافتن توازنی عادلانه میان حقوق مشروع ایران و نگرانی‌های جهانی وابسته است. در پیوست آنچه گفته شد و برای واکاوی دلایل پافشاری واشنگتن بر غنی‌سازی صفردرصدی، گپ‌وگفتی با رحمن قهرمانپور داریم تا ارزیابی این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل را در این زمینه جویا شویم.

عکس: عباس کوثری، شرق

جناب قهرمانپور، گفت‌وگو را از پیشنهاد جدید مطرح‌شده پس از دور پنجم مذاکرات هسته‌ای آغاز کنیم. آن‌طور که یک منبع دیپلماتیک مطلع از پرونده به روزنامه «ریپوبلیکا» گفته، گویا پیشنهاد مطرح‌شده از سوی عمانی‌ها که در حقیقت بسته خود آمریکایی‌ها تلقی می‌شود، ناظر بر «توقف برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران به مدت سه سال در ازای برداشته‌شدن بخشی از تحریم‌ها» است که این پیشنهاد هم به نحوی همان درخواست آمریکایی‌ها برای لغو غنی‌سازی در ایران، البته به صورت موقت است. با این حال و فارغ از اینکه این پیشنهاد در نهایت چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد، می‌خواهم این پرسش بنیادین را مطرح کنم که به چه دلیل یا دلایلی، دونالد ترامپ تا به این اندازه اصرار دارد که توافق با تهران حتما با محوریت غنی‌سازی صفر درصد به نتیجه برسد؟ آیا موضوع به حفظ امنیت اسرائیل بازمی‌گردد یا آنکه ترامپ نمی‌خواهد متهم به احیای برجام به عنوان دستاورد اوباما و دموکرات‌ها شود؛ چون پذیرفتن غنی‌سازی ۳.۶۷ درصد در ایران با هر خوانش سیاسی، قطعا به معنای احیای برجام خواهد بود که ترامپ از آن حذر دارد. در سطح تحلیلی دیگر، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که به دلیل قانون ۱۲۳، اساسا آمریکا فقط به کشورهایی اجازه برخورداری از چرخه کامل سوخت هسته‌ای می‌دهد که در جبهه آنها قرار بگیرد و چون می‌داند ایران قطعا در این بلوک‌بندی تعریف نمی‌شود، به همین دلیل بر سلب حق غنی‌سازی از تهران تأکید دارد.

هرکدام از نکاتی که گفتید، می‌تواند دلایل فشار دولت ترامپ بر سلب حق غنی‌سازی از ایران باشد، اما به باور من گزینه دومی که به آن اشاره کردید، گزینه درست‌تری به نظر می‌رسد. یعنی دونالد ترامپ به دنبال آن است که به توافقی متفاوت از برجام به عنوان دستاورد اوباما و دموکرات‌ها دست پیدا کند؛ چون دونالد ترامپ اتفاقا با زیر سؤال بردن این توافق و نامیدن برجام به عنوان بدترین توافق تاریخ آمریکا، اکنون نمی‌تواند دوباره آن را احیا کند و به همین دلیل سعی دارد به توافقی بالاتر از برجام برسد. درباره قانون ۱۲۳ که شما پرداختید، قطعا این قانون شامل ایران نمی‌شود. آمریکا بیش از ۴۰ سال است با ایران همکاری هسته‌ای ندارد. این قانون شامل کشورهایی مانند امارات متحده عربی می‌شود که با ایالات متحده همکاری هسته‌ای دارد. موضوع حفظ امنیت اسرائیل هم یک توجیه یا بهانه است. لذا به نظر من درست‌ترین گزینه این است که دونالد ترامپ سعی دارد با تعلیق حق غنی‌سازی در ایران، عنوان کند به توافقی جامع‌تر، بهتر، قوی‌تر و پایدارتر از برجام رسیده است.

با وجود توضیحات شما باز هم باید پرسید چرا گزاره دوری ترامپ از احیای برجام را درست‌تر از دو گزاره دیگر می‌دانید و از آن دفاع می‌کنید؟

دلیل دیگر من به مخالفت ترامپ با راهکارهای فنی به دلایل سیاسی بازمی‌گردد.

قدری بیشتر توضیح می‌دهید؟

ببینید، از نظر فنی برای حل مشکل غنی‌سازی در ایران این امکان وجود دارد که هم ایران غنی‌سازی خود را ادامه بدهد و هم آمریکایی‌ها با افزایش بازرسی و اقدامات نظارتی مطمئن شوند برنامه هسته‌ای ایران به سمت اهداف نظامی نخواهد رفت. لذا در شرایطی که راه‌حل فنی وجود دارد، عدم پذیرش آن از سوی دونالد ترامپ صرفا می‌تواند دلایل سیاسی داشته باشد و مهم‌ترین دلیل سیاسی هم این است که ترامپ نمی‌خواهد متهم به این شود که سند برجام به عنوان میراث دوره اوباما و دموکرات‌ها را دوباره احیا کرده است؛ سندی که خود ترامپ آن را بدترین توافق آمریکا می‌دانست و با همین توجیه هم از آن خارج شد.

با این حال باید پرسید وقتی مایک والتز به عنوان مشاور امنیت ملی سابق آمریکا از کابینه ترامپ خارج شده و وزن جی‌دی ونس، استیو ویتکاف، پیت هگست، ترامپ جونیور و... در مقابل افرادی همچون مارکو روبیو و... افزایش پیدا کرده است، چرا ترامپ دارد فرصت توافق بی‌سابقه با تهران را که در دوره اوباما و بایدن وجود نداشت، به بهانه دلایل سیاسی داخلی می‌سوزاند و کماکان روی موضوع غنی‌سازی صفر درصد مانور می‌دهد؟

نکته شما درست است، اما موضوع اینجاست که در ترسیم سیاست خارجی فقط یک پارامتر تعیین‌کننده نیست که مثلا عنوان کنیم چون اکنون بیشتر کابینه ترامپ با مذاکرات موافق هستند پس این توافق انجام می‌شود یا اینکه چون دونالد ترامپ اکنون اولویت را به دیپلماسی اختصاص داده، توافق در دسترس است. درست است که رئیس‌جمهور آمریکا قوی‌ترین فرد از نظر اجرائی در ایالات متحده محسوب می‌شود، اما باید این را در نظر بگیریم که رئیس‌جمهور قدرت مطلق نیست و نمی‌تواند هر کاری که دوست دارد انجام دهد.

به هر حال رسانه، بوروکراسی، جامعه مدنی، اندیشکده‌ها و ده‌ها متغیر و پارامتر دیگر وجود دارند که هرکدام به سهم و نوبه خود روی مسیر مذاکرات و سیاست خارجی آمریکا تأثیر می‌گذارند. همین مسئله باعث می‌شود قدرت مانور رئیس‌جمهور تحت‌الشعاع قرار بگیرد. پس در یک رفت و برگشت و در یک تعامل نهایی معلوم می‌شود کدام فاکتور بیشترین وزن را دارد؛ این‌گونه نیست که بگوییم فاکتور خواست ترامپ، جی‌دی ونس، ویتکاف یا هرکس دیگری تعیین‌کننده خواهد بود. شما دیدید که استیو ویتکاف هم از مواضع خود برای مذاکرات با ایران عقب‌نشینی کرد. او ابتدا گفته بود غنی‌سازی در ایران مشکلی ندارد، اما بعد از مدتی حرف خود را عوض کرد و اکنون می‌گوید تنها راه توافق، توقف غنی‌سازی در ایران است. پس این نکته هم درباره خود ترامپ صدق می‌کند و می‌تواند متأثر از عوامل و پارامترهای دیگر، رفتار و سیاست متفاوتی را از خود نشان دهد. سیاست و دیپلماسی یک امر در حال تغییر و پویاست؛ این‌گونه نیست که بگوییم یک فرد، حتی رئیس‌جمهور آمریکا با یک تصمیم ثابت می‌تواند تا انتها همه‌چیز را تعریف کند و براساس همان تصمیم می‌تواند تعیین کند که یک توافق انجام می‌شود یا نمی‌شود. خیر این‌گونه نیست.

برای مثال دیدید وقتی دونالد ترامپ به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس سفر کرد و قراردادهای کلان تجاری را با عربستان، قطر و امارات امضا کرد، لحن و ادبیات او در مقابل ایران قدری ملایم‌تر شد؛ چون نگرانی ترامپ برای حفظ امنیت این قراردادها و پیمان‌نامه‌های تجاری باعث شد او با لحن منعطف‌تری به مذاکرات با ایران بپردازد. پس می‌خواهم این‌گونه موضوع را جمع‌بندی کنم که نمی‌توان صرفا به یک فاکتور یا پارامتر بسنده و عنوان کرد این فاکتور می‌تواند رفتار ترامپ را درباره توافق و مذاکره با ایران تعریف کند. واقعا مجموعه‌ای از پارامترها و کنش و واکنش محیط، شرایط و بازیگران با همدیگر می‌تواند تعیین کند که معادلات پیش‌رو درخصوص مذاکرات تهران-واشنگتن چه سمت و سویی پیدا کند.

اتفاقا می‌خواهم به بخشی از گفته شما بازگردم که محل بحث جدی خواهد بود؛ اینکه عنوان کردید دونالد ترامپ به دلایل سیاسی فعلا با هرگونه راه‌حل فنی و کارشناسی برای حل موضوع غنی‌سازی در ایران مخالفت می‌کند. از همان پیشنهاد کنسرسیوم منطقه‌ای، اما مشروط بر آنکه در خاک ایران باشد که البته هنوز تهران عنوان کرده به‌صورت رسمی در مذاکرات مطرح نشده، تا نقش‌آفرینی آژانس و سایر راه‌حل‌های فنی دیگر که خط تحلیلی شما را تأیید می‌کند. می‌خواهم این را بپرسم که اگر وضعیت فعلی را به نقطه‌ای تشبیه کنیم که مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه، آن را نقطه تلاقی تحمیل خواسته یک طرف بر طرف دیگری دانسته، نهایتا تهران تسلیم خواهد شد یا واشنگتن؟ چون روانچی صراحتا عنوان کرده اگر می‌خواهیم به توافق برسیم، در نهایت یا ایران یا آمریکا باید از خواسته خود عقب‌نشینی کند؟

به نظر من توافق نهایی در صورتی خواهد بود که هم ایران و هم آمریکا قدری از خواسته‌هایشان عقب‌نشینی کنند. من دوباره تأکید می‌کنم وضعیت کنونی بر اثر مجموعه‌ای از فاکتورها، پارامترها و بازیگران شکل گرفته است؛ هم دونالد ترامپ در داخل به دلایل سیاسی با مشکلات و محدودیت‌هایی درباره مذاکرات با ایران مواجه است تا بتواند از توافق خود دفاع کند و هم در ایران شرایطی وجود دارد که باید آن را مدیریت کند. به هر حال اگر تهران می‌خواهد غنی‌سازی را در خاک خود حفظ کند، باید امتیازات زیادی بدهد. طبیعتا توجیه این امتیازدهی در داخل ایران برای تیم مذاکره‌کننده کار بسیار سختی است. درست است که به نظر می‌رسد آمریکا به دلیل قدرت برتری که دارد می‌تواند خواسته خود برای سلب حق غنی‌سازی را بر ایران تحمیل کند، اما این به معنای آن نیست که راه هموار پیش‌روی واشنگتن و ترامپ است و انتظار داشت که ایران از خطوط قرمز خود عدول کند؛ خیر هر دو طرف باید اصطلاحا کوتاه بیایند. هر دو طرف باید تعدیل، نرمش و انعطاف از خود نشان دهند؛ این‌گونه نیست که همه‌چیز را گردن ایران بیندازیم و از تهران بخواهیم که کوتاه بیاید. من می‌گویم توافق نهایی، نتیجه امتیازدهی و امتیازگیری هر دو طرف است

در این بین سفر آقای پزشکیان به عمان را در این امتیازدهی و امتیازگیری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما در شرایطی قرار داریم که هرگونه تحرکی می‌تواند کمک‌کننده باشد. همان‌گونه که قبل‌تر سلطان عمان به روسیه رفت و درباره پرونده هسته‌ای با طرف روسی مذاکره کرد، قطعا سفر آقای دکتر پزشکیان به عمان هم می‌تواند در این شرایط کمک‌کننده باشد. طبیعتا دیدارها، مذاکرات و بحث‌هایی که درباره پرونده هسته‌ای با طرف‌های عمانی انجام می‌شود، می‌تواند تأثیر خود را بگذارد، اما لزوما به معنای آن نیست که با یک سفر رئیس‌جمهور ایران می‌توان توافق را در دسترس دید یا تصور کنیم که کل رویکرد ایران با این سفر تغییر پیدا می‌کند.

حالا که روی عمان متمرکز هستیم، این سؤال را هم بپرسم که واقعا امیدی دارید با نقش‌آفرینی این کشور (عمان)، مذاکرات به نتیجه برسد؟

عمان به دلیل رابطه تاریخی خوبی که با ایران دارد و سابقه خوبی که در میانجیگری مذاکرات هسته‌ای به‌خصوص در برهه برجام دارد، یکی از معتمدترین بازیگران ایران است؛ کمااینکه تهران پیش از پذیرش میانجیگری عمان، وساطت قطر و روسیه را رد کرد و این نشان می‌دهد که اعتماد ایران به عمان به دلایل مختلف بیشتر از سایر بازیگران است. از طرف دیگر عمان تاکنون ثابت کرده است نقش یک واسط بی‌طرف را در مباحث مربوط به ایران دارد. ضمنا موضوع حضور پررنگ اتباع بلوچ در عمان هم مطرح است. از طرف دیگر بعد از جنگ ظفار، روابط نزدیکی بین ایران و عمان شکل گرفته است که تاکنون ادامه دارد. بنابراین مجموعه این دلایل و سایر عوامل باعث شده است اکنون عمان به عنوان یک میانجیگر فعال در مذاکرات هسته‌ای نقش‌آفرین باشد.

به‌رغم نکات شما، اعتماد ایران به عمان و همچنین بی‌طرفی مسقط، فاکتورهای موفقیت را فراهم می‌کند. آیا این کشور می‌تواند در کلان‌تنش ایران و آمریکا درخصوص پرونده هسته‌ای به موفقیت برسد؟

آن چیزی که عمان در میانجیگری بین ایران و آمریکا پیاده می‌کند، تلاش برای نزدیک‌کردن مواضع دو طرف است تا مانع از شکست مذاکرات شود. عمان سعی می‌کند هم پیشنهادهای آمریکا و هم خطوط قرمز ایران را تعدیل و تلطیف کند تا بتواند تهران و واشنگتن را به هم نزدیک کند.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

نوبت دوم
آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی
شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران
منطقه هرمزگان

شماره فراخوان : ۲۰۰۴۰۹۲۸۶۸۰۰۰۰۱۱
مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان
موضوع: تجدید مناقصه تعمیرات مخزن شماره ۱۶۵ انبار نفت شهید رجایی
تاریخ مهلت ونشانی محل دریافت تحویل اسناد مناقصه:
پس از انتشارآگهی در روزنامه کلیه مناقصه گران برای دریافت کامل اسناد مناقصه و بارگذاری پاکت ها ی الف - ب و ج به سایت http://setadiran .ir مراجعه نمایند.
۱- نوع و مبلغ تضمین : ضمانت نامه فرایند ارجاع کار مناقصه به مبلغ ۲/۱۴۵/۰۰۰/۰۰۰ (دو میلیارد و یکصد و چهل و پنج میلیون ریال) در صورت واریز نقدی به شماره حساب ۲۱۷۲۵۸۸۰۲۸۰۰۳ بانک مرکزی یا به شماره شبا IR ۶۷۰۱۷۰۰۰۰۰۰۲۱۷۲۵۸۸۰۲۸۰۰۳ (حساب در بانک ملی شعبه نفت می باشد) به نام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه هرمزگان . (شماره ثبت ۶۷۳۳۷ ،کد اقتصادی :۴۱۱۱۱۱۷۱۳۹۷۹ ، شناسه ملی : ۱۴۰۰۷۴۷۸۱۴۱ ،کدپستی :۱۴۵۷۵-۷۹۱۷۹) به غیراز تضمین بانک پاسارگاد وکارگزاران آن) .
۲- مبلغ برآورد ۴۲,۸۹۸,۷۹۵,۸۸۶ ریال .
۳- مدت اجرای کار ۴ ماه (۱۲۰ روز) می باشد .
۴- دارای حداقل سابقه کاری مرتبط .
۵- دارا بودن گواهینامه تایید صلاحیت پیمانکاری و ایمنی اداره کار.(تصویرگواهینامه ها درهردو پاکت ب وپاکت ارزیابی کیفی قرارداده شود)
۶- استعلام اصالت و رتبه گواهی تعیین صلاحیت پیمانکاران صرفا" از طریق سامانه مربوطه انجام می پذیرد.
۷- رتبه درج شده در گواهی تعیین صلاحیت پیمانکاران در ارزیابی مناقصه گران مؤثر می باشد .
۸- در صورت لزوم تعیین برنده پیمانکار مناقصه طبق دستورالعمل ارزیابی مالی مناقصه گذار به روش تعیین دامنه قیمت متناسب انجام می پذیرد .
۹- ارزیابی کیفی در این مناقصه بر اساس فرم های ارزیابی کیفی و کسب حداقل امتیاز ۵۰ با ارائه مستندات کافی می باشد .
۱۰- ارائه آگهی مربوط به شخص یا اشخاصی که طبق آخرین تغییرات درروزنامه رسمی مجاز به امضاء اسناد تعهد آور شرکت می باشد .(تصویر آخرین تغییرات اساسنامه در پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی قرارداده شود).
۱۱- تصویر اساسنامه شرکت(مناقصه گر)در پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی قرارداده شود .
۱۲- ارائه تاییدیه آخرین نمونه امضاء مدیر عامل و رئیس هیات مدیره در پاکت ب و پاکت ارزیابی کیفی .
۱۳- احراز امتیاز حداقل ۶۰ براساس معیارهای توانمندیهای بهداشتی و زیست محیطی (HSE) الزامی می باشد.
۱۴- توزیع اسناد و انتشار آگهی و مهلت دریافت اسناد ازتاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ ،لغایت ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ ،مهلت بارگذاری پاکت های(الف،ب،ج)درسامانه ستادایران ازتاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸تاساعت ۱۹مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۳می باشد،بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ و تاریخ بازگشایی پاکتهای(الف ،ب وج) متعاقباً اعلام خواهد شد.(پاکت های تضامین دریک لفاف سربسته درمهلت ومحل تعیین شده همراه با نامه به دبیرخانه مناقصات این شرکت تحویل گردد.)
۱۵- پس از طی مراحل قانونی ، پاکت های (الف،ب وج)مناقصه گرانی بازگشایی خواهد شد که حداقل امتیاز لازم در ارزیابی HSE را کسب کرده باشند .
۱۶- به پیشنهادهای فاقد امضاء ، مشروط، مخدوش وهمچنین پیشنهاداتی که پس از مهلت مقرر درفراخوان واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد. ارقام به ریال و حروف /عدد درج و فاقد خط خوردگی / لاک گرفتگی باشد.
***نکته مهم تمامی مناقصه گران / شرکت ها باید در سامانه ستاد ثبت نام و کلیه پاکت های الف - ب و ج خود را درسامانه ستاد ایران بارگذاری نمایند .(فایل ها می بایست به صورت پی دی اف باشد ، پاکت ب و ارزیابی بدلیل حجم بالای فایل ترجیحا" به صورت فشرده و در قالب یک فایل باشد .) بازگشایی پاکت ها به ازای هر پاکت واصله انجام خواهد شد .
چاپ نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ چاپ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
شناسه آگهی : ۱۹۳۵۶۵۵
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه هرمزگان
۱۷۰۴

نوبت دوم
انتشار آگهی موضوع ماده ۸ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی ،عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱۱/۱۷ شورای انقلاب
وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی
(سهامی خاص)
شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

موضوع : اهالی محترم روستای چوان و فتح آباد
با سلام و احترام
نظر به اینکه علی رغم انجام تشریفات قانونی و اطلاع رسانی های مکرر تاکنون انجام معامله قطعی در خصوص تعدادی از اراضی و املاک مسیر جدید خط انتقال آب واقع در محدوده روستای چوان و فتح آباد (جنب خط انتقال گاز و نفت) ممکن نگردیده است ، لذا به استناد ماده ۸ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی ،عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ، به اطلاع کلیه مالکان و ذیحقان قانونی و احتمالی واقع در مسیر مذکور می رساند تا حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی با در دست داشتن اسناد و مدارک مالکیت خود ضمن تعیین کارشناس منتخب و مرضی الطرفین خود (به صورت کتبی) به شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی واقع در آدرس فلکه دانشگاه ، بلوار ۲۹ بهمن مراجعه نمایند . بدیهی است در صورت استنکاف و یا عدم مراجعه به موقع مالکین ، این شرکت وفق ماده ۸ قانون فوق الذکر حق خواهد داشت راساً و در غیاب مالکین با مراجعه به دادگستری و تعیین کارشناسان نسبت به تودیع بهای املاک و اراضی به صندوق ثبت محل و تملک و انتقال قانونی اسناد مالکیت توسط دادستان محترم اقدام نماید . این آگهی در دو نوبت و به فاصله ۳۰ روز جهت اطلاع کلیه مالکین و ذیحقان احتمالی حقیقی و حقوقی از جمله ادارات منابع طبیعی ، راه و شهرسازی ، جهاد کشاورزی ... منتشر میگردد .
شناسه آگهی: ۱۹۱۷۶۵۶
نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۰۶
۸۹۳